

فراتر از خبر

بازگشت حسين طائب؛ مجتبی خامنه‌ای در غیبت، حلقه قدرت می‌سازد

وحید پوراستاد

۴۲ دقیقه پیش



اطلاعات سپاه در دوران حسین طائب وارد پرونده‌های سیاسی، رسانه‌ای، امنیتی و اقتصادی شد و در بسیاری موارد به موازات وزارت اطلاعات عمل کرد

دو جنگ در کمتر از یک سال، بخش مهمی از مهمترین فرماندهان نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی را از بین برد.

در جنگ ۱۲ روزه ۱۴۰۴، حسین سلامی، محمد باقری، غلامعلی رشید و امیرعلی حاجی‌زاده کشته شدند. چند ماه بعد، جنگ ۴۰ روزه آمریکا و اسرائیل ضربه دیگری زد: علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، علی لاریجانی، علی شمخانی، محمد پاکپور، عبدالرحیم موسوی و شماری دیگر از فرماندهان ارشد نظامی و سیاسی کشته شدند.

حالا مجتبی خامنه‌ای فقط رهبری جمهوری اسلامی را تحویل نگرفته است؛ حکومتی را تحویل گرفته که بخش مهمی از اتاق فرمان نسل قبل آن هم از میان رفته است.

احکام منتسب به او حالا ترکیب تازه‌ای را نشان می‌دهند: علاوه بر **محسن رضایی در شورای عالی امنیت ملی**، احمد وحیدی در فرماندهی کل سپاه پاسداران، علی عبداللهی در ستاد کل نیروهای مسلح، حسین طائب در بسیج و چند فرمانده قدیمی دیگر در رده‌های بعدی.

این ترکیب یک ویژگی مشترک دیگر هم دارد: از میان هفت چهره اصلی، محسن رضایی، احمد وحیدی، علی عبداللهی، حسین طائب، کیومرث حیدری و علی عظمایی در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارند.

دلایل تحریم آن‌ها یکسان نیست و از ارتباط با سپاه و دفتر رهبر تا سرکوب اعتراضات و فعالیت‌های نظامی جمهوری اسلامی را دربرمی‌گیرد.

از زمان معرفی مجتبی به رهبری، پیام‌ها و احکام متعددی به نام او منتشر شده، اما هنوز هیچ صدا یا تصویر تازه‌ای از او منتشر نشده است؛ حتی در تشییع جنازه و دفن پدرش.

رهبر تازه غایب است، اما احکامش یکی پس از دیگری می‌رسند. مسئله فقط پر کردن صندلی‌های خالی نیست؛ مجتبی باید از میان بازماندگان همان ساختار، شبکه‌ای بسازد که بتواند به آن تکیه کند. در میان همه این انتخاب‌ها، حسین طائب معنای دیگری دارد.

بیشتر در این باره:

احکام مجتبی خامنه‌ای برای شش فرمانده ارشد نظامی؛ بازگشت حسین طائب به قدرت



بازگشت حسین طائب

طائب دوباره رئیس بسیج شده است؛ همان سازمانی که در سال ۱۳۸۸، هنگام اعتراضات گسترده خیابانی، فرماندهی‌اش را برعهده داشت.

در حکم تازه، یک عبارت بیش از بقیه جلب توجه می‌کند: «تقویت شبکه اطلاعات مردمی». از او خواسته شده که شعار «هر ایرانی، یک بسیجی» را گسترش دهد و بسیج را برای مقابله «مردم پایه» با تهدیدها آماده نگه دارد.

این زبان برای طائب تازه نیست. بعد از اعتراضات جنبش «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ گفت که «هیچ‌کس با موضوع اعتراض مخالفت ندارد»، اما بلافاصله حد تحمل حکومت را روشن کرد: اگر کسی «حرف بیگانگان را در کشور پیاده کند هیچ سیستم امنیتی آن را تحمل نمی‌کند». او چند ماه بعد گفت که «امروز توپخانه ما رسانه است» و «اینترنت دست دشمن است، لذا مجبوریم محدودش کنیم».

حالا چنین نگاهی دوباره به رأس سازمانی برگشته که حکومت از طریق آن در مسجد، دانشگاه، اداره، محله و خیابان حضور دارد. مأموریت طائب فقط سازماندهی نیروی شبه‌نظامی نیست؛ او به یکی از مهم‌ترین نقاط تماس حکومت با جامعه برگشته است.

یار قدیمی، قبل از رهبری

طائب متولد سال ۱۳۴۲ در تهران است و چهار سال پیش، بعد از سیزده سال ریاست سازمان اطلاعات سپاه، از مهم‌ترین منصب امنیتی‌اش کنار رفت. اما کنار رفتن و برگشتن در زندگی سیاسی او سابقه دارد.

در دهه ۷۰ از وزارت اطلاعات خارج شد و در سال ۱۳۷۸ دوباره در معاونت سازمان اطلاعات سپاه ظاهر شد.

همان سال‌ها رابطه‌ای با مجتبی خامنه‌ای شکل گرفته بود که امروز از سابقه اداری او مهم‌تر است.

محمد سرافراز، رئیس پیشین سازمان صداوسیما، این ارتباط را به سال‌های پس از پیروزی محمد خاتمی در ۱۳۷۶ می‌برد.

به گفته او، در جلساتی با حضور مجتبی خامنه‌ای، تحولات کشور و آرایش سیاسی بررسی می‌شد و مجتبی جمع‌بندی را به پدرش می‌رساند. سرافراز از حلقه دیگری با حضور خودش، مجتبی، طائب و حسین فدایی هم گفته است. به روایت او، طائب در حاشیه این جلسات گزارش‌های اطلاعاتی و امنیتی را جداگانه به مجتبی می‌داد.

این‌ها نشان می‌دهند که طائب برای مجتبی خامنه‌ای یک فرمانده معمولی سپاه نبود. پیوند این دو زمانی ساخته شد که مجتبی هنوز منصب رسمی مهمی نداشت و طائب هم رئیس اطلاعات سپاه نبود.

سال ۱۳۸۴ مهدی کروبی از دخالت نیروهای امنیتی و مجتبی خامنه‌ای به سود محمود احمدی‌نژاد شکایت کرد. چهار سال بعد، مجتبی خامنه‌ای در بیت پدر نفوذ بیشتری داشت و طائب فرمانده بسیج بود.

بیشتر در این باره:

حلقه گردان حبیب؛ تیم مجتبی خامنه‌ای



از بسیج ۸۸ تا اطلاعات سپاه

بسیج، یکی از نیروهای اصلی مقابله با اعتراضات بود. همان روزها که تصاویر تیراندازی و ضرب‌وشتم منتشر می‌شد، حسین طائب مدعی شد که افرادی برای «خرابکاری»، لباس پلیس و بسیج پوشیده‌اند.

چند ماه بعد از بسیج رفت، اما از گردونه قدرت حذف نشد. معاونت اطلاعات سپاه به سازمان اطلاعات ارتقا یافت و طائب در رأس ساختار تازه نشست. پایان ۸۸ برای او آغاز بزرگ‌ترین دوره قدرتش شد.

اطلاعات سپاه در دوران طائب وارد پرونده‌های سیاسی، رسانه‌ای، امنیتی و اقتصادی شد و در بسیاری موارد به موازات وزارت اطلاعات عمل کرد.

محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور پیشین ایران، سال‌ها بعد گفت حسین طائب «تعادل ندارد» و «کار او پرونده‌سازی است». محمد سرافراز هم در دوران ریاستش بر صداوسیما با سازمان طائب درگیر شد و بعدها از شبکه‌ای سخن گفت که نام اطلاعات سپاه، دفتر رهبر و مجتبی خامنه‌ای در آن کنار یکدیگر قرار می‌گرفت.

حسین طائب در سال ۱۴۰۱ از ریاست اطلاعات سپاه کنار گذاشته شد؛ زمانی که عملیات منتسب به اسرائیل و بحث نفوذ امنیتی بالا گرفته بود، اما دلیل رسمی برکناری‌اش اعلام نشد. او پس از جنگ ۱۲ روزه گفت که آمریکا و اسرائیل برای هدف گرفتن پدافند، سلسله‌مراتب فرماندهی و مراکز حساس برنامه داشتند، اما پاسخ نیروهای ایرانی محاسبات‌شان را برهم زد. طائب همچنین مدعی شد که جنگ، همبستگی اجتماعی را افزایش داده است.

حالا چهار سال بعد، پسر علی خامنه‌ای او را به قدرت اجرایی بازگردانده است. همین بازگشت، در میان انتصاب‌های تازه، شخصی‌ترین نشانه از شکل‌گیری حلقه قدرت رهبر سوم جمهوری اسلامی است.

وحیدی؛ تداوم فرماندهی در دل جنگ

احمد وحیدی، متولد سال ۱۳۳۷ در شیراز، انتخاب مهم دیگر است. علی خامنه‌ای در دی ۱۴۰۴ او را جانشین فرمانده کل سپاه کرده بود. چند هفته بعد، در نخستین روز جنگ ۴۰ روزه، محمد پاکپور و شماری دیگر از فرماندهان کشته شدند و وحیدی فرماندهی سپاه را به دست گرفت.

او جنگ را در فرماندهی سپاهی گذراند که هم می‌جنگید و هم جای فرماندهان کشته‌شده‌اش را پر می‌کرد. وحیدی پس از دور تازه حملات مدعی شد که جمهوری اسلامی «درس فراموش‌نشدنی» به آمریکا خواهد داد و «وحدت داخلی» را از عوامل «موفقیت» ایران دانست. حکم تازه موقعیت او را تثبیت کرده است.

گذشته وحیدی هم چند حوزه را در یک نفر جمع کرده: از نخستین فرماندهان نیروی قدس بوده، وزیر دفاع شده و در دولت ابراهیم رئیسی وزارت کشور را اداره کرده است. در اعتراضات خونین ۱۴۰۱، وزیر کشور و رئیس شورای امنیت کشور بود؛ بخشی از معترضان را «جوانان هیجان‌زده و احساسی» خواند و هشدار داد اگر «از حد بگذرند، باید جدی برخورد کرد».

نام وحیدی با بمب‌گذاری سال ۱۹۹۴ در مرکز یهودیان آمیا در بوئنوس‌آیرس نیز گره خورده است، حمله‌ای که ۸۵ کشته بر جای گذاشت. دادستانی آرژانتین او را که آن زمان فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران بود، از متهمان طراحی و اجرای حمله می‌داند و به درخواست دستگاه قضایی این کشور برایش اعلان قرمز اینترپل صادر شده است. وحیدی در این پرونده محاکمه یا محکوم نشده و جمهوری اسلامی ایران نیز اتهام‌ها را رد کرده است.

حالا مجتبی خامنه‌ای در حکم جدید از همین فرمانده خواسته که سپاه را برای «بازدارندگی حداکثری» و «اجرای عملیات تهاجمی پر قدرت علیه دشمن» آماده کند. وحیدی، هم تجربه جنگ بیرونی را دارد و هم تجربه مدیریت امنیت داخلی. او نگاه ایدئولوژیک سختی به مسائل سیاسی دارد.

عبداللهی؛ نزدیک کردن اتاق جنگ به ستاد کل

علی عبداللهی، متولد سال ۱۳۳۸ در رودبار گیلان، ضلع دیگر این بازسازی است. او در نیروی انتظامی و وزارت کشور مسئولیت امنیتی داشته و از ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور بود. در آستانه انتخابات ۱۳۹۲ گفت: «فتنه سال ۸۸» هزینه زیادی داشته و «بنا نیست این اتفاق تکرار شود».

مسیر عبداللهی بعدتر به فرماندهی جنگ رسید. سال‌ها معاون هماهنگ‌کننده ستاد کل بود و سپس فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا شد؛ مرکز طراحی عملیات مشترک نیروهای مسلح. او پس از حملات آمریکا و اسرائیل از «واکنش‌های سخت و پیشیمان‌کننده» گفت و چند روز پیش از انتصاب تازه هشدار داد هر کشور منطقه که «سپر دفاعی آمریکا» شود، «در آتش جنگ خواهد سوخت».

حالا عبداللهی رئیس ستاد کل شده و یکی از مهم‌ترین مأموریت‌هایش «تکمیل روند ادغام ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا» است. معنای این مأموریت روشن است: فاصله میان اتاق طراحی عملیات و رأس فرماندهی نیروهای مسلح باید کمتر شود.

مجتبی به مردان نسل پدر نیاز دارد

در ردیف بعد، کیومرث حیدری، متولد ۱۳۴۳ در صحنه کرمانشاه، به جانشینی رئیس ستاد کل رسیده؛ همان فرمانده ارتش که در اعتراضات ۱۴۰۱ معترضان را «مگس» خواند و گفت با فرمان رهبر «هیچ جایی

در این کشور نخواهند داشت». او درباره اسرائیل نیز بر آماده‌باش یگان‌ها و پاسخ به هر حمله تأکید کرده است.

مصطفی ایزدی، متولد ۱۳۳۵ در نجف‌آباد، از فرماندهان جنگ ایران و عراق و فرمانده پیشین قرارگاه سایبری و تهدیدات نوین، جانشین فرمانده کل سپاه شده است. علی‌عظمایی نیز فرمانده نیروی دریایی سپاه شده است.

جوان‌سازی در این ترکیب دیده نمی‌شود. بعد از دو جنگی که بخش مهمی از نسل فرماندهان ارشد را حذف کرد، مجتبی خامنه‌ای به سراغ بازماندگان همان نسل رفته؛ مردانی که چند دهه در سپاه، نیروی انتظامی، وزارت کشور، اطلاعات و ستاد کل، شبکه ساخته‌اند.

این انتخاب یک منطق دارد: رهبر تازه به کسانی نیاز دارد که بتوانند ساختاری ضربه‌خورده را در برابر جنگ بیرونی و بحران داخلی کنار هم نگه دارند. اما رابطه یک‌طرفه نیست. مجتبی خامنه‌ای برخلاف پدرش هنوز اقتدار شخصی چند دهه‌ای، پایگاه روحانی مشابه یا سابقه طولانی فرماندهی علنی حکومت ندارد. حتی حالا که احکام نظامی مهم به نام او صادر می‌شود، خودش دیده و شنیده نمی‌شود.

در چنین شرایطی پرسش فقط این نیست که این فرماندهان چقدر قدرت‌شان را از رهبر تازه می‌گیرند؛ این هم هست که رهبر تازه چقدر برای اعمال قدرت به شبکه‌های آن‌ها وابسته است.

بیشتر در این باره:

ارزیابی چند ادعا درباره حسین طائب



چرا طائب از بقیه مهم‌تر است؟

تفاوت طائب با دیگران در سابقه سرکوب نیست؛ در نسبت او با رهبر تازه است.

وحیدی و عبداللہی مأمور بازسازی فرماندهی‌اند. طائب به جایی برگشته که جامعه را به رأس قدرت وصل می‌کند.

بسیج، شبکه‌ای در محله، مسجد، دانشگاه و اداره دارد که فرماندهان ستادی ندارند. مأموریت «تقویت شبکه اطلاعات مردمی» همین امتیاز را رسمی می‌کند. این شبکه به سابقه اعتماد شخصی هم متصل است؛ رابطه‌ای که پیش از رهبری مجتبی شکل گرفت و به روایت سرافراز، گزارش‌های اطلاعاتی بخشی از آن بود.

مجتبی خامنه‌ای رهبری را به ارث برده، اما استقلال از میراث قدرت و شبکه پدرش را به سادگی نه. بازگشت حسین طائب روشن‌ترین تلاش برای ساختن شبکه شخصی قدرت اوست.

وحید پوراستاد



وحید پوراستاد، روزنامه‌نگار سیاسی است که سابقه نزدیک به دو دهه فعالیت روزنامه‌نگاری در روزنامه‌های مختلف ایران را دارد. او از اواخر سال ۸۹ به تحریریه رادیو فردا پیوست و در مدت فعالیت خود در رادیو فردا چندین مستند رادیویی و تلویزیونی نیز از جمله «سلول انفرادی»، «سی جنجال یک رئیس‌جمهور»، «پرونده قاضی سعید مرتضوی» و فیلم مستند «در اتاق بازجویی» را ساخته است.

گزارش و تحلیل

فراتر از خبر

بایگانی

سیاسی